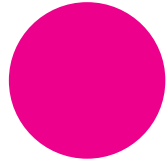


«مجله حوزه» از پگاه انقلاب (سال ۱۳۶۲) این مهم را پی گرفت و نقش نخستین را در میدان اندیشه‌سازی و فرهنگ‌سازی بایستگی تحول حوزه‌های علوم دینی ایفا نمود و چند ویژه‌نامه و ده‌ها مقاله را تقدیم کرد. چند ماه پیش با همکاران دانشور مجله پیشنهاد دادم، که خوب است، «تحول حوزه» را با نگاه به نیازهای امروزی بشر در جوامع اسلامی و جمهوری اسلامی و دگرگونی فرهنگی و اجتماعی جدید، بار دیگر به گفت و گو بگذاریم و شماره‌ای از مجله را ویژه آن قرار دهیم، خوش آن که با استقبال فضلان روشن‌اندیش و دغدغه‌دار فردای حوزه روبه‌رو شدیم و یک شماره به سه شماره بر نشست. انگاره‌مان از این گفت و گوها این بود که بیشتر با نگاه به ناکامی‌های حوزه و گونه‌نقش‌گذاری‌اش در انجام بهینه رسالت عصری‌اش به ریشه و کلید تحول برسیم. پرسش‌هایی در ذهنمان برجسته شد، چهل سال از انقلاب اسلامی که خاستگاه آن حوزه‌های علوم دینی باشد سپری شده است، آیا حوزویان در انجام بهینه رسالت نقش‌گذاری‌اش در راستای تأمین علمی، نظری و پشتیبانی تئوریک و نرم‌افزاری از انقلاب اسلامی، سربلنداند؟ در این چهل سال صدها پرسش فراروی حجت‌الاسلام‌ها و آیت‌الله‌ها قرار گرفت و ده‌ها نیاز برای نظام پیش‌آمد و به حوزه‌ها برای پاسخ عرضه شد و بسیاری از این پرسش‌ها بدون پاسخ در ذهن نسل جدید و رو به جلو ایران و انقلاب بدون پاسخ جای

چه دردمندانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی خطاب به فضلا و طلاب درسش، در تحلیل علت زندانی شدن یونس پیامبر علیه السلام در شکم ماهی اشاره داشتند: پیغمبری که عمری در امت خویش زحمت کشید، اما خدا در برابر یک حرکت فردی که ناشی از خستگی و یأس از هدایت مردم بود می‌فرماید: «فَطَّنْ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» (انبیاء، آیه ۸۷) خیال کرد بر او سخت نخواهیم گرفت. خداوند سخت گرفت و آن مجازات کذایی (زندانی در شکم ماهی) رخ داد. امروز نیز حجت برای تمامی نهادهای تصمیم‌گیر و نهادهای علمی و تبلیغی حوزه‌های علوم دینی و حتی بر یکایک روحانیت تمام است. کوتاهی در تقویت و به‌روزرسانی نرم‌افزار انقلاب اسلامی موجب غضب و عذاب الهی می‌باشد. براین اساس نگرانی برای حال حوزه و دغدغه چگونگی فردای آن سخن همیشگی است. خوش‌بختانه در زمینه زیرساخت و تشکیلات و نظامی هم سو با انجام وظیفه پشتیبانی نرم‌افزاری از نظام اسلامی حرکت‌های درخشان و رو به جلو انجام گرفته است. چشم‌انداز فردهای حوزه، برنامه بیست‌ساله و هم‌اکنون برنامه پنج‌ساله حوزه‌های علوم دینی با نگاهی جهانی‌اندیش و تمدن‌ساز آماده شده است. اما شتاب تحولات جهانی و دگرگونی در مناسبات و زندگی بشر بسیار است و هنوز حوزه‌ها نتوانسته‌اند خودشان را با این شتاب نرم‌افزاری و سخت‌افزاری همراه کنند.

حوزه و فردایی دیگر



سردبیر - عبدالرضا ایزدپناه

تاکنون سخن‌ها و نوشته‌های بسیاری در بایستگی و چگونگی «تحول حوزه‌های علوم دینی» و به سامان‌سازی و به‌روزشدن شیوه‌های انجام بهینه رسالت عصری حوزویان گفته شده است. دو راهبر انقلاب اسلامی نیز چون نشاط و شکوفایی و راست روی انقلاب اسلامی را در نشاط علمی و شکوفایی فکری و جهاد و اجتهاد عملی روحانیت می‌دانسته‌اند و جدایی حوزه‌های علوم دینی را از انقلاب مخاطره‌آمیز برای هر دو نهاد دیدند. در هر فرصتی چگونگی تکلیف‌بانی روحانیان را برابر انقلاب اسلامی با حوزویان در میان نهادند، منشور روحانیت بنیادگذار جمهوری اسلامی و سخنان راهبردساز و پیشروانه رهبر کنونی انقلاب، سرمایه بسیار بزرگی برای انجام بهینه رسالت حوزویان در پاسداری از انقلاب اسلامی و ساختن حوزه‌ای در تراز انقلاب اسلامی و مهدوی است هر دو راهبر، گرانی‌گاه سخنان‌شان، هم‌سرنوشتی حوزه‌های انقلاب اسلامی و توان‌مندسازی حوزویان برای پشتیبانی سودمند از آرمان‌های انقلاب و راست‌اندیشی و راست روی آن است. امام خمینی علیه السلام فرمودند: «اگر انقلاب اسلامی شکست بخورد اسلام برای سال‌ها سر بلند نمی‌کند.»

خوش کرد و امروز این پرسش‌ها در قالب اشکال و شبهه بروز نموده است و بسیاری از این شبهه و پرسش‌ها به میز جامعه اندیش‌ورز و رسانه‌های ما بی‌پاسخ مانده است؛ هنوز که هنوز است، پول و بانک‌داری که در میدان زندگی اسلامی و ایمانی ما پرنمود است و اگر ربا بینجامد، جنگ با خدا به شمار می‌رود، ناگشوده مانده است. در سبک زندگی و چگونگی برخورد با زندگی مدرن و مدرنیته هم چنان در خم یک کوچه مانده ایم. ما باره‌ها در «مجله کاوشی نو در فقه» و «فقه اهل بیت (ع)»، پول و پرسش‌های جدی در ساحت اقتصاد بانک‌داری و حوزه هنر و موسیقی مطرح کردیم تا فقه‌پژوهان، اندیشه‌ورزی نمایند و فقیهان نظام پولی و بانکی پویا و اسلامی برگرفته از متون و منابع اسلامی را بنویسند.

و در میدان هنر هم تکلیف دین‌داران را روشن کنند و مجلس و شورای نگهبان این طرح‌ها و داده‌های اندیش‌وران حوزوی را رسمی و قانونی نمایند، گرچه گام‌هایی برداشته شد و تک‌تلاش‌هایی مخلصانه انجام گرفت ولی هم چنان مسائلی چونان پول و بانک‌داری ناگشوده ماند و جامعه بانکی ما با نزول و ربا دست به گریبان است و در بخش هنر و تعیین مرزهای حلال و حرام آن، کاری راه‌گشا انجام نیافت. در گفت‌وگوها و اندیشه‌ورزی‌ها به این رسیدیم که ریشه نازایی کار و ناکارآمدی تلاش‌های حوزویان در منطق تفکر و شیوه اندیشه‌ورزی

حوزه‌هاست. ما هم چنان تنها بر سکوی منطق ارسطویی و تفکر طولی وز می‌کنیم و در طراحی نظامات اجتماعی و زندگی دینی قالب‌های اندیشه‌ورزانه ذهنی را به میدان گشودن دشواری‌های عینی می‌آوریم، با این‌که بایسته می‌نمود که پس از انقلاب به دامن قرآن و اهل بیت (ع) چنگ زنیم و قرآن و گفته‌ها و سیرت عترت را قبله‌گاه و تحول اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خویش می‌کردیم آن هم نه با عینک منطق و فلسفه ارسطویی و راه‌حل‌های فردی اندیشانه، بلکه در کارساز هم‌افزایی با دست‌آوردهای بشری در معماری نظامات اسلامی و سبک زندگی تراز دینی در آستان قرآن و نهج‌البلاغه و ده‌ها جوامع حدیثی و روایی زانو می‌زدیم و شیوه اندیشه‌ورزی و رویکردهای جهاد و تلاش علمی را می‌آموختیم با رویکرد سازمندی‌سازی زندگی دینی مردم و ساخت جامعه تراز و طیّب اسلامی از قرآن و سیرت و سخن اهل بیت (ع) و میراث گران سنگ و مصلحان حوزوی که همراه با رفتن خودشان در گوشه کتاب‌خانه‌ها فراموش شده بودند، بهره می‌گرفتیم. در روزگار کنونی بایسته از نوشته‌ها و تلاش‌های علمی و فکری شهید صدر به ویژه منطق استقرا، طرح خلافت قرآن، اقتصاددانان و مجتمعتنا و نیز از اندیشه‌های معمار قانون اساسی کشور شهید بهشتی که هم اسلامی است و هم پیشروانه بهره جست. به ویژه رهنمودهای امام خمینی (ع) و نگاه بلند آن بزرگوار و راه‌گشایی که در فقه و

احکام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اسلام داشته‌اند، پر بهره می‌گرفتیم و در سایه سار اندیشه و رهنمودهای گام‌به‌گام رهبر فرزانه انقلاب‌مان، آیت‌الله خامنه‌ای، جلو می‌رفتیم در اندیشه‌ها و گفته‌ها و رهنمودهای رهبری، راهبردهای راه‌گشا و اجراپذیر و کارایی است که می‌شود بنا و مبنا و سکوی گفت‌وگوها و نظام‌سازی‌های رو به جلو و تراز باشند، همو که جامعه علمی و فرهنگی کشور را از کوچک‌اندیشی به جهانی‌اندیشی فراخواند و از اندیشه‌گردی درون‌مذهبی و بسندسازی به منابع و داده‌های درون حوزوی، به حرکت اندیشه‌ورزی در قلمروی تمدن جهانی مهدوی فراخواند. خوش‌بختانه امروز سازمان‌های حوزوی و رسانه‌های حوزویان کار پژوهش و آموزش‌شان را تمدن مهدوی قرار دادند، بایستگی تمدن، زایای تفکر و شیوه اندیشه‌ورزانه در قامت تمدن جهانی مهدوی است، تمدنی که در صدر اسلام، جهان را تکان داد و بنای تمدن راریخت که خوبی‌های همه دست‌آوردهای خوب جهان از آن مکتب و تمدن خوب‌رو است. تمدن صدر اسلام وام‌دار قرآن و سیرت و راهبری رسول اکرم (ص) است. تا قرآن را به «صحنه» نیاوریم و شیوه‌های اندیشه‌ورزی و مبنا و منطق تفکر حوزوی با توجه به پرسش‌های نوپیدا و داده‌های فرهنگ و دانش جدید طراحی نکنیم. رسیدن به تمدن مهدوی درازدامن خواهد شد. وقتی به قرآن نگاه می‌کنیم اندیشه الهی شبکه‌ای و هم‌افزای چند سویه است، فرد را در جمع

را در تاریخ هستی می‌بیند و ایمان و اخلاق او را می‌سازد، قرآن کریم خود گوید: «وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ» (اسراء، آیه ۱۰۵) براساس واقعیت‌های انکارناشدنی و فطرت‌پذیر قرآنی نازل شده است و مهم‌تر ما هم این قرآن را با توجه و واقعیات و رخ‌داده‌ها و پدیده‌ها عینی و سنت‌های واقعی نازل کردیم. مهندسی فرهنگی و تدوین نظامات به ویژه نظام اندیشگی بدون پاس‌داشت این اصل ناکام است. در نظام اندیشه‌ای قرآن، معیار و محک حق و باطل نفع و سودی مردم و جامعه است و این نفع و سود است که ماندگاری باشد: «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَمَا كُنَّا فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (رعد، آیه ۱۷) نفی در اندیشه و حیانی گستره معنای خویش را دارد که از عالم ذر تا دنیا به عنوان و آخرت را می‌گیرد. در قرآن عبرت از تاریخ به ویژه سیرت انبیا و اقوام آن‌ها و سنت‌های حاکم بر هستی و طبیعت که از عهد الست تا لقای خدا را می‌گیرد. مبنایش پیمان الست، پذیرش ربوبیت حق است و فرجام آن لقای خدای واحد قهار می‌باشد که: «لِئِنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (غافر، آیه ۱۶) این کرانه تمدن مهدوی است، طراحی جامعه‌ای که منتظر واقعه تمدن مهدوی باشد، تهیه نرم‌افزاری زندگی‌ساز و جامعه‌پردازی با این قلمرو و کرانه به سوی بی‌کرانه است و برنامه‌هایی که در هر دو زندگی بشر را خوش‌بخت سازد. قرآن و اهل بیت (ع) برای رسیدن به تمدن و جامعه عدل مهدوی همراه و جهت رسیدن

به حکومت مهدوی را به ما نشان داده اند. قرآن عبرت از تاریخ به ویژه سیرت انبیا و سرنوشت اقوام آنان و سنت های طبیعت را اساس انسان سازی و جامعه پردازی قرار می دهد و سعادت انسان را در به هنگام سازی تلاش های تکاملی اش با سنت های حاکم بر هستی و طبیعت می داند. وقتی که می خواهد از راه درست و چگونگی پرورش انسان و بایستگی تزکیه و پاک سازی جان و روان از سیاهی های فرودین و زمین گیرانه، سخن بگوید به اهمیت اندیشیدن در خورشید و ماه و آسمان و زمین و شب و روز و معرفت نفس توجه می دهد و پس از سوگند به همه این ها می فرماید: «فَالْهَمَّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس، آیه ۸) پلیدی ها را به او شناساندم و راه تقوا را برایش بر نمودیم. انسان برای رسیدن به موهبت های آزادی و رستگاری بایست جان را با شست و شو از پلیدی ها و یا جلوگیری از آلوده شدن به بدی ها بپیراید: «قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (همان، آیه ۱۰) ولی اگر آلودگی ها جانش را فرا گیرد زندگی اش تبا و بد فرجام خواهد بود.

سوگند خداوند به پدیده های آفرینش آموزه های ویژه دارد، خداوند بیهوده قسم نمی خورد، قسم های خداوند در راستای همان هدایت وحیانی و بیرون آمدن از تاریکی ها به نور خوش زندگی گوارا و خوش فرجام است. قرآن برای اندیشه ورزی ما را به مطالعه عینی و تجربی در طبیعت و نظام هستی فرامی خواند حتی تفکر در ریز پدیده ها

را دستور می دهد و برای اثبات سخن خویش در هدایت مردم از آن ها بهره می گیرد از مگس، مورچه، پشه، گاو، شتر، سگ و الاغ تا کهکشان ها، ستارگان، ماه، خورشید، باد، باران و آفرینش آسمان ها و زمین و آینده دنیا و انسان و چگونگی آن سرای دیگر، آیا شده است حوزویان در برنامه ریزی تعلیمی آموزش و پرورش چشم و فکرشان را از قواعد تجربی به سوی پدیده های ریزودرشت طبیعی بگشایند و از راز و رمز آفرینش آن ها و کارکردشان در این نظام هستی برای رشد و سازندگی خویش و ساختن جامعه برمدار سنت های حاکم بر طبیعت که مهد و تجارت خانه و مزرعه انسان است را گیرند. تک نوشته ها و مفسرانی به این مهم پرداخته اند، ولی آن ها هم یک ساحتی و بدون رویکرد بهره گیرانه برای ساختن زندگی و جامعه طیب است.

قرآن همان گونه که قواعد هدایتش را بر جاودانگی انسان نهاده است و او را به ساختن زندگی و رفتار جاودانه اش می خواند به زندگی انسان شبکه ای می نگرد. منطق تفکر قرآن، انسان و جامعه و روابط آن را در بستر خلافت انسان بر زمین با رویکردی به درازای ابدیت و در یک شبکه به هم پیوسته در چهار رابطه خدا، طبیعت، هم نوع و نفس و داشته های خدادادی اش می نگرد و هدایت و تعلیم و اخلاق و جامعه و عبادات را در این پهنه بر پهناور و دور انتها و پیراز و رمز می بیند. این است راز و رمز ضمیر «نا و نحن» در خطابات قرآن: «اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و:

«اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ اِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر، آیه ۹)، حتی در توحید فعلی و عبادی و راه یافتن به صراط مستقیم از ضمیر «نا» بهره برده شد: «اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» که نمود همان تفکر سیستمی و بالاتر از آن «شبکه ای» حاکم بر هستی است. پژوهش گران دینی و فاضلان حوزوی و طراحان و مدیران حوزه های علوم دینی بر اساس جهان بینی و نگره قرآن تا برمدار سنن الهی حرکت های علمی و برنامه ریزی و مدیریت خود را سازماند نکنند، نمی توانند در شاهرای تمدن مهدوی حرکت نمایند. طرح های یک سونگارانه، نگاه های یک جانبه و طولی، ندیدن و بهره نرفتن از جنود الهی که «لَا يَعْلَمُ اِلَّا هُوَ» و از توانایی های خدادادی مانند فطرت، عقل، نفس، قلب، روح و مشکات نور آسمان ها و زمین، هم سنگ ویژگی ها و مقتضیات تمدن مهدوی نخواهد بود. نخست باید قواعد تمدن مهدوی را که قرآن نشان داده است بشناسیم، تا بتوانیم حوزه علمیه ای در تراز رسیدن به تمدن و حکومت قائم عليه السلام را بسازیم.

بر همین اساس در دهه شصت در همین «مجله حوزه» گفتیم، حوزه نیازمند تحول عظیم زیربنایی و سیستمی است و هر چه زودتر برای انجام نقش خود در یاری رساندن به انقلاب بایست نظامی در تراز انقلاب اسلامی و نظامی معقول و خردپذیر در همه لایه هایش پیدا کند و از مدیریتی جهان نگر، هوشمند که هم دنیا را بشناسد و هم

روحانیت و میراث حوزوی را و هم با وظایف سنگینی که امروز روحانیت بایست انجام دهد آشنا باشد. و هم مشورت پذیر بوده و از نگاه و نظر خدمت گیرندگان و اندیشوران بهره برد. تا بتواند آینده نگرانه و همه سونگر، سیاست گذاری، مدیریت و برنامه ریزی کند. خدایی را سپاس که امروز حوزه های علمیه با مدیریتی هوشمند، باتجربه، جهان شناس و انقلابی روبه رو هستیم، ولی بایسته است، افزون به تحول قالبی تحول قلبی و تربیتی ایجاد شود و افزون بر روش های نو، مدیریتی بر روش های نوینی در منطق اندیشه و روش اندیشه، پایوری گردد، زیرا اگر حوزه ها در شیوه های علمی پژوهشی، اندیشگی، تبلیغی و گونه تفکر عصری پیشرو نشود، نخواهند توانست در هدایت یک نسل امروز، پیشروانه عمل کند. بایست طرح تحول محتوایی واقع بینانه که پا در سنت دارد و سر به سپهر آینده پژوهانه، می ساید پی ریخت تا مدیریت در ایستگاه شکل و قالب باز نماند و این شکل و قالب نوع مدیریت علمی با محتواهای بلند دانشی، روشی و سازندگی در رفتار و زیست و ارتباطات و بهره برداری بهینه از فرصت ها و ظرفیت ها موفق به استقرار حوزوی جهانی اندیش، آینده نگر شود که به سوی تمدن انسان ساز و جهانی مهدوی بال و پر بگشاید.

در این صورت است که حوزه های علمیه می توانند در فرق تارهای نامرئی و مرئی عصر رسانه و ارتباطات و رسومات کهن اندیش پا

نهاد و به سوی حکومت عدل و انسانیت و معنویت صاحب امر فرازمند گردند و در این زمینه افزون بر مدرسان از ده‌ها دانش‌آموخته درون حوزه که از مدرسان به‌شمار نمی‌آیند و برون‌حوزوی که در سلک روحانیت نمی‌باشند، بایست بهره‌برد و در پیشبرد تحول حوزه و ساختار نظامات آن نقش داد. این مهم مدیریت حوزه را در نیازشناسی و بهره‌برداری از ابزارها و روش‌های نو و تهدیدهای پیش‌روی یاری می‌رساند که در نقش حوزه‌های جعفری امام صادق (ع) در این زمینه فرمود: «الإستشار عین الهدایه وَ قَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ»؛ (الحیة، ج ۱، ص ۱۶۵) نظرخواستن و مشورت با دیگران عین هدایت است و هرکه خود را از اندیشه‌های دیگران بی‌نیاز بیند به مخاطره و دردسر افتد.» یکی از راه‌ها این است که امروز که نهادها در حوزه استقرار پیدا کرده همه اندیشوران و فاضلان خوش‌اندیش بر توفیق‌مندی مدیران حوزه اجماع کنند و مدیران هم با گشاده‌دلی درهای گفت‌وگوهای انتقادی را بر روی نخبگان در همه زمینه‌ها باز کنند و به استقبال ایده‌های راه‌گشا بروند همان‌گونه که اشاره کردم.

امروز کار حوزه‌ها بسیار سنگین است زایمانی سخت بایسته است تا زایش در محتوا و روش پدید آید و تحول و کمال در محتوا انجام گیرد و این دگرگونی از منطق‌اندیشه تا روش‌اندیشه تا نوع نگاه با تغییر رویکردها را فراگیرد.

حوزه امروز رسالتش هم علمی است و هم عملی هم امراندیشگی هم تبلیغی و عرفی.

امروز که حاکمیت با انقلاب اسلامی است حوزه‌ها نمی‌توانند بگویند من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم، خواه از سخنم پندگیر خواه ملال، بلکه بایست که پای دردل مردم بنشینند گوش باشند و رخ‌داده‌ها را ریشه‌یابی کنند درد را بشناسید و درمان کنند، منتظر نمانند که مردم به سراغ آن‌ها بیایند، آن‌ها به سراغ مردم بروند و پیامبران طیب دؤار بطبه باشند. در این دوران که ما حاکمیت انقلاب اسلامی مذهب با معیشت مردم گره خورده است روحانیان در هر مقامی مناسب در خانه بنشینند و منتظر آمدن مریدان و دوست‌بوسی باشند بلکه بایست خود آن‌ها به دست‌بوسی محرومان و مردمی که داشته خودشان برای یاری دین خدا جهاد کرده و شهید دادند شیوه هدایت انبیا تنها گفت‌وگو نبود، بلکه همراهی و همگامی با مردم است، شناخت و رعایت استعدادها و واقعیت‌هاست دل‌سوزی و ایثار و محبت است حضور طبیبانه در همه لایه‌های زندگی مردم است طبابتی پویا، کارا و مراقبت دائم از سلامت ایمانی، اخلاقی و معنوی و معیشتی جامعه امام (ع) مؤمنان فرمود: «الفقرسواد وجهین» تنگی معیشت روسیاهی دو سرا را همراه دارد و ابوذر فرمود: «فقر و سختی معیشت از یک در که وارد شود ایمان از در دیگر آن بیرون می‌رود.» عالم وظیفه‌بان هر بامداد و پگاه بایست هم کار خودش را بسنجد و از چند و چون و اندازه اثر و پیش‌رانی‌اش بازخورد بگیرد و ببیند جامعه او جهان او

میدان عملیات و کار و مسئولیت او در چه حال و روزی است چه رخ‌داده‌های نوعی پدید آمده است و چه مسئله‌هایی که در کار آن بود از اهمیت افتاده است. هادیان جامعه هرروز باید نو شوند و نوپندیشند و نو حرکت کنند. این‌ها و شماری از ضرورت‌ها و بایسته‌ها ما را بر آن داشت تا برای چندمین بار به مناسبت سفر پرچم‌دار مکتب اهل بیت (ع) به حوزه قم و پاس رهنمودهای راه‌گشا و پربهای آن فرزانه به «تحول در حوزه» بیندیشیم، گرچه ایشان در این عصر پرشتاب پس از آن سفر، دیگر تحول را هم قامت نیازهای نوپدید ندیدند و از حوزه انقلابی سخن به میان آوردند که خوش‌بختانه برخی نهادهای حوزوی، استقبال کردند. نشست‌ها و ویژه‌نامه‌ها و گفت‌وگوهای راه‌گشا انجام گرفت و مدیریت هوشمند و بیدار و دانشور حوزه نیز از آن رهنمودها و این داده‌ها بهره گرفتند و با تشکیل اندیشکده و مرکز مطالعات حوزه و روحانیت و تشکیل کمیته‌های گوناگون پاس می‌دارند.

«مجله حوزه» نیز شماره‌ای را به حوزه انقلابی ویژه کرد و لایه‌هایی از بایستگی انقلاب در حوزه برای انقلابی‌شدن حوزه برنمود و در این شماره نیز به پاس داشت یاد حضور رهبر عزیز و فرزانه و نشست با مراجع و عالمان و فاضلان و طلاب و گفت‌وگو در نیازهای پیش‌روی حوزه‌ها و رسالت جهانی روحانیون شیعه و فرصت‌ها و تهدیدها فراروی روحانیت و انقلاب گپ و گفته‌هایی داشتند و در فیضیه رهنمودهای افق‌گشا فراروی مدیریت حوزه‌های علمیه و عالمان دل‌سوز و مسئولیت‌بان نهادند. امید است که به یاری خداوند در آینده شمارگانی را به نقد منطق تفکر کنونی حوزه و چند و چون و شیوه تدوین منطق تفکر شبکه‌ای - قرآنی حوزه پردازیم و با بهره‌وری از میراث بزرگان و مصلحان حوزه و روحانیت راهی نور را از قرآن و حدیث و سیره برای انجام رسالت عصری و روزآمد حوزویان بجوییم، إن شاء الله.